

در گفت و گو با دکتر مریم بهنودی مطرح شد:

بازی درمانی

روش‌های عملی یادگیری و مهارت دانش‌آموز در خانه و محیط اجتماعی

به کوشش دکتر ابوالفضل بختیاری

کلیدواژه‌ها: بازی درمانی، مهارت‌آموزی، محیط اجتماعی

خانم دکتر بفرمایید بازی چیست و چه آثار اجتماعی بر کودک دارد؟

بازی، به‌عنوان یک فعالیت، از جمله راه‌های اجتماعی شدن است. این فعالیت اگر هدفمند باشد، حتی می‌تواند افراد جامعه گریز یا بیش فعال را نیز دگرگون کند. هرچند گفته‌اند که بازی هر نوع فعالیت برای تفریح، بدون توجه به نتیجه‌ی نهایی آن است، اما ما می‌توانیم برای بازی برنامه و هدف تعریف کنیم. انجام دادن بازی‌های گروهی در خانه یا مدرسه مهم است و بر هوش‌های چندگانه، گاردنر و به‌خصوص هوش‌های معنوی و طبیعت‌گرایی دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد. کلینیک‌های رفع اختلال برای از بین بردن برخی اختلالات مانند کم‌رویی یا کم‌حرفی یا وابستگی شدید کودک به مادر، از فعالیت بازی استفاده می‌کنند. بازی‌ها انواع متفاوتی دارند و حتی می‌توانند با تصاویر و برای ارتقای هوش بصری، تمرکز و سرعت عمل انجام شوند.

برخی اصول بازی درمانی را بگویید.

- بازی درمانی غالباً برای درمان کودکان ناسازگار و کسانی که نسبت به حل مسائل مربوط به سازگاری مشکل دارند، استفاده می‌شود.

- بازی درمانی از ابزارهای طبیعی بیان حالت کودک برای کمک به او استفاده می‌کند. یعنی بازی به‌عنوان متد درمانی وی به کار گرفته می‌شود تا به کودک کمک کند فشارهای احساسی خویش را تحت کنترل قرار دهد.

- این روش در مورد کودکان سه تا هشت ساله‌ای به کار می‌رود که مشکلات خانوادگی مانند طلاق والدین و یا مشکلات فردی مانند ناخن جویدن، شب ادراری، اختلال رفتاری و یا بیش‌فعالی دارند و در روابط گروهی موفق نیستند.

- بازی درمانی ابزاری برای به چالش کشیدن انگیزه‌ی اندیشیدن و جستن راه‌حل مسئله است. در این روند، تحمل و شکیبایی توأم با تفکر آموخته می‌شود.

اشاره

مهارت‌های عملی زندگی در عمل به‌دست می‌آیند. این مهارت‌ها تنها با یک ابزار قابل دستیابی نیستند، بلکه می‌توان از راه‌های گوناگون آن‌ها را تقویت کرد. بازی یا حتی تنها گوش کردن نیز از مواردی هستند که به کمک می‌آیند و می‌توانند در کودکان به درک متقابل و ایجاد ارتباط عمیق منجر شوند. ماهمیشه در پی آن هستیم که اختلالات را کاهش دهیم و روابط یا مهارت ماندگارتری ایجاد کنیم.

در همین زمینه و در ارتباط با بازی کودکان و چگونگی ایجاد ارتباط و آثار بازی، با دکتر مریم بهنودی، دارای مدرک دکترای تخصصی در اختلالات یادگیری و فناوری تکنولوژی از دانشگاه کوبه‌ی ژاپن، گفت‌وگویی کوتاه انجام داده‌ایم. دکتر بهنودی مدرس دانشگاه تهران است و به‌عنوان مشاور در کلینیک دکتر کاردان در همین دانشگاه فعالیت می‌کند. او

به روش‌های عملی یادگیری در کودکان و نوجوانان علاقه دارد و از طریق ارتقای فن بیان در کودکان، به درمان اختلالات گویشی می‌پردازد.

در این گفت‌وگو به، نظرات تطبیقی و تجربه‌های ژاپنی نیز اشاره شده است.

عکاس: غلامرضا پنهانی





مهارت‌های زندگی در خانه چیستند؟ همان‌هایی که قرار است از مدرسه به خانه بیایند!

گاهی دیده می‌شود دانش‌آموز ۹ ساله‌ی ما حتی نمی‌تواند میوه پوست بکند. بستن دکمه یا بند کفش هم مشکلی برای بعضی‌هاست. در ژاپن کودکان از پنج سالگی یاد می‌گیرند کارد میوه را چگونه در درست بگیرند. کار در آشپزخانه و رعایت نظم و ترتیب را می‌آموزند و از نزدیک حس می‌کنند. حتی پدر و مادرها با برنامه‌ی درسی آشنا می‌شوند و قدم به قدم با آن پیش می‌روند. والدین و آموزگاران همراه فرزندانشان به‌ارو می‌روند و مهارت‌های مورد نظر را کنار هم و در طبیعت، با توجه به فصل، تمرین می‌کنند.

اگر می‌خواهیم بستر کاری درست شود، باید دانش‌آموزان را گاه‌گاهی از مدرسه خارج کنیم و در محیط اجتماعی به آن‌ها نقش بدهیم. آن‌ها باید در پارک، خیابان‌ها و فروشگاه‌های اطراف مدرسه یا منزل گشت بزنند تا بتوانند نقشه‌ی اطراف مدرسه را تصور و نقاشی کنند. دانش‌آموزی که با سرویس به مدرسه می‌رود، نمی‌تواند تعامل اجتماعی قوی داشته باشد.

به ورزش مستمر در مدرسه اهمیت دهیم. در مدارس ابتدایی ژاپن از ساعت ۸/۱۵ تا ۹ صبح، دانش‌آموزان لباس ورزشی می‌پوشند و ورزش صبحگاهی انجام می‌دهند. دانش‌آموزی که انرژی او به این شکل تخلیه شده و روحیه‌ی شادی به دست آورده است، با کلاس همراه می‌شود.

با در نظر داشتن اینکه شما در ژاپن تحصیل کرده‌اید، نظر آن‌ها درباره‌ی بازی چیست؟

آن‌ها باوری دارند مبنی بر اینکه کودک تا ۱۴ سالگی با بازی‌های گروهی همه چیز را یاد می‌گیرد. آن‌ها بر این باورند که قطر کتاب‌های درسی، حتی کیم حجم‌ترین آن‌ها، هم زیاد است. کتاب‌های درسی آن‌ها معمولاً کم‌قطر و دارای تصویر است. فعالیت‌ها را به صورت تصویری می‌بینند و سپس آن‌ها را انجام می‌دهند. معمولاً این مهارت‌آموزی‌ها می‌تواند به مرور از مدرسه به خانه وارد شود. یعنی یک زندگی جدید در مدرسه تجربه می‌شود. آن‌ها حتی تکالیف را به خانه نمی‌برند. دور هم انجام می‌دهند. این حالت هم نوآوری و هم نشاط ایجاد می‌کند.

در اسناد بالادستی ما نیز به کسب مهارت‌ها و رسیدن به مراتبی از زندگی متعالی اشاره شده است. آیا این نظام تعریف شده ما را به حیات طیبه می‌رساند؟

در یک نگاه ما با مدرسه در ارتباطیم. از اساسی‌ترین مباحث ما در آموزش و پرورش، نداشتن مدارس استاندارد است. مدارس ژاپن در کوچک‌ترین یا بزرگ‌ترین شهرها با هم تفاوتی ندارند. زمین ورزش و سالن غذاخوری دارند. مدارس دولتی باید بیش از این تجهیز شوند. آرزوی ما این است که روزی هر کودک چگونه درست اندیشیدن را بیاموزد تا خود بتواند خویشتن را بیابد و چرایی زیستن را جست‌وجو کند که همانا هوش معنوی است.